



مای دارس

www.my-dars.ir

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الأنعام ١

المُعْجَم: واژه نامه (۳۴ کلمه)

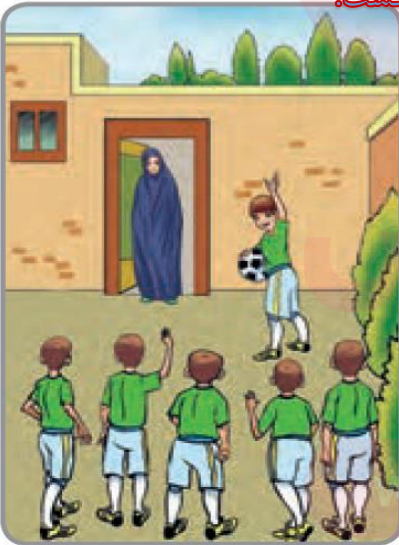
مفرد: **أَزْدَل**
مفرد: **أَفْضَل**

مَنْ: کسی که الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ...: مسلمان کسی است که مردم سالم بمانند...	عُدْوَان: دشمنی عَنْ: از فَتَحَ: باز کرد فَلَاح: کشاورز قَرُبَ مِنْ: نزدیک شد به قَصِير: کوتاه قَمَر: ماه مَلَك: فرمانروا شد مَنْ: هرکس مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ: هرکسی دشمنی کاشت: (بکارد)	رَجَع: برگشت ≠ ذَهَبَ زَرَعَ: کاشت ≠ حَصَدَ سَأَلَ: پرسید «مذکر» سَأَلْتُ: پرسید «مؤنث» سَأَلْتُهُ: از او پرسید سَلِمَ: سالم ماند سَمِعَ: شنید «مذکر» سَمِعْتُ: شنید «مؤنث» شَمَس: خورشید صَعَدَ: بالا رفت ≠ نَزَلَ طَرَقَ: کوبید	إِذَا: هرگاه، اگر أَرَادَ: فرومایگان أَفْضَل: شایستگان أُمُّ: مادرش بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت ثُمَّ: سپس حَصَدَ: درو کرد ≠ زَرَعَ خَرَجَ: بیرون رفت ≠ دَخَلَ خُصْرَان: زبان دَخَلَ: داخل شد ذَهَبَتْ: رفت «مؤنث»
---	--	--	---

جمع: **وَاجِبَات**
فَقَدَ **≠**

الْجُمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ: جملات طلائی

لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.
ياسر با دوستانش در مدرسه بازی کرده. ياسر بعد از ظهر به خانه برگشت.



هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ.
او در منزل (خانه) را زد. منزل = بَيْت

سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ ذَهَبَتْ وَفَتَحَتِ الْبَابَ وَسَأَلْتُهُ:

مادر صدای در را شنید سپس رفت و در را باز کرد و از او پرسید:

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

مادر: حالت چگونه؟ (چطوری؟)

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

پسر: من خوبم.

الْأُمُّ: مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟

مادر: تکالیف تو چیست؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الدَّهَبِيَّةِ.

ياسر: حفظ این جملات طلائی است.

- ۱- « هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک می گردند. »
- ۲- « هرکس دشمنی بکارد (کاشت) زیان دروی می کند (کرد). » « تجربه بالاتراز علم است. »
- ۳- « بهترین مردم، سودمندترینشان برای مردم هستند . »
- ۴- « مسلمان، کسی است که مردم از زبانش و دستش در امان باشند. (سالم باشند) « زبان گناهکار (خطاکار) کوتاه است. »

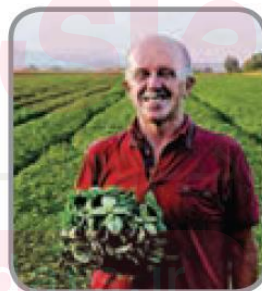


- ۱- « إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. »
- ۲- « مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. »، « التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ. »
- ۳- « خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. »،
- ۴- « الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ. »، « لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ. »

فعل ماضی (۲)



الْأَعْبَةُ رَفَعَتْ عَلَمَ إِيْرَانِ.
بازیکن پرچم ایران را بالا برد.



الْفَلَّاحُ زَرَعَ الرِّيْحَانَ.
کشاورز ریحان کاشت.

فعل ماضی ۲

سوم شخص مفرد (مذکر) همان ریشه فعل می باشد که صیغه های دیگر فعل ماضی با اضافه شدن پسوند (شناسه یا علامت صیغه) به آخر این ۳ حرف اصلی ساخته می شوند.

نکته ۱: در زبان عربی ریشه اکثر فعل ها، از ۳ حرف اصلی تشکیل شده است.

نکته ۲: ریشه ۳ حرفی فعل ماضی، مذکر است و برای مؤنث نمودن آن به آخرش علامت «تاء تانیث» (ت) اضافه می شود. این حرف همان طور که از نامش پیداست نشانه مؤنث است و شناسه یا علامت صیغه محسوب نمی شود.

مفرد				
ضمیر متصل	صیغه فعل	ضمیر منفصل	جنس	
رَبِّي	ذَكَرْتُ	أَنَا - ۱	مذکر و مؤنث	اول شخص
پروردگارم را	یاد کردم	من	ترجمه	
رَبِّكَ	ذَكَرْتِ	أَنْتَ - ۲	مذکر	دوم شخص
رَبِّكَ	ذَكَرْتِ	أَنْتِ - ۳	مؤنث	
پروردگارت را	یاد کردی	تو	ترجمه	
رَبِّه	ذَكَرَ	هُوَ - ۴	مذکر	سوم شخص
رَبِّهَا	ذَكَرَتْ	هِيَ - ۵	مؤنث	
پروردگارش را	یاد کرد	او	ترجمه	

خلاصه فعل ماضی مفرد

ضمائر متصل	علامت صیغه (شناسه)	ضمائر منفصل		
ي	تُ	أَنَا	اول شخص	
كَ	تَ	أَنْتَ	مذکر	دوم شخص
كِ	تِ	أَنْتِ	مؤنث	
هُ	علامت صیغه ندارد.	هُوَ	مذکر	سوم شخص
هَا	علامت صیغه ندارد. (ت) نشانه مؤنث است.	هِيَ	مؤنث	

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: كلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. (=، ≠)

عُدوان ... ≠ صداقة جاهل ... ≠ عالم أراذل ... ≠ أفاضل أفضل ... = خير
 بداية ... ≠ نهاية رخيصة ... ≠ غالية عدوان ... = عداوة خلف ... = وراء

التَّمرينُ الثَّاني: كلمة ناهما نك در هر مجموعه کدام است؟

- | | | | | | | | | |
|---------|-------------------------------------|-------|-------------------------------------|------|-------------------------------------|-------|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱. عَلم | <input checked="" type="checkbox"/> | أخت | <input type="checkbox"/> | أخ | <input type="checkbox"/> | والد | <input type="checkbox"/> | ۳ مورد دیگر؛ اعضای خانواده هستند. |
| ۲. يد | <input type="checkbox"/> | ماء | <input checked="" type="checkbox"/> | وجه | <input type="checkbox"/> | لسان | <input type="checkbox"/> | ۳ مورد دیگر؛ اعضای بدن هستند. |
| ۳. قميص | <input type="checkbox"/> | فستان | <input type="checkbox"/> | جوال | <input checked="" type="checkbox"/> | سروال | <input type="checkbox"/> | ۳ مورد دیگر؛ اسباب لباس ها هستند. |
| ۴. قصير | <input checked="" type="checkbox"/> | نافذة | <input type="checkbox"/> | باب | <input type="checkbox"/> | غرفة | <input type="checkbox"/> | ۳ مورد دیگر؛ اجزای ساختمان هستند. |
| ۵. خرج | <input type="checkbox"/> | دخّل | <input type="checkbox"/> | هلك | <input type="checkbox"/> | تحت | <input checked="" type="checkbox"/> | ۳ مورد دیگر؛ فعل ماضی هستند. |

التَّمرينُ الثَّالثُ: بخوانید و ترجمه کنید.



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الأنعام ۱

سپاس و ستایش برای خدا است که آسمان ها و زمین را آفرید.

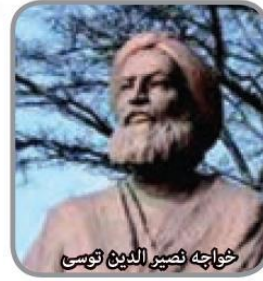


﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ﴾ الأنبياء ۳۳

او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید.



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.



هُوَ بَحَثَ عَنِ الْكُتُبِ.



أَنَا سَأَلْتُ مُدْرِسِي.



أَنَا قَرَبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: كزينة مناسب را انتخاب كنيد.

۱. الْمُعَلِّمُ صَفَّهُ. دَخَلَ دَخَلْتُ
۲. الطُّفْلَةُ مَعَ صَدِيقَاتِهَا. لَعِبْتُ لَعِبْتِ
۳. أَنَا الْمَحْصُولِ. حَصَدْتُ حَصَدَ
۴. أَنْتِ الشَّجَرَةَ. صَعِدْتُ صَعِدَ
۵. أَنْتِ جَوَالَكَ؟ وَجَدْتُ وَجَدْتِ